

مروری بر نویسندگان، مترجمان و موضوعات کتابی که امسال سراغ‌شان رفتیم

# آنچه بر قفسه کتاب در سال ۱۴۰۳ گذشت



مجدالدین معلمی، زهره فرهادی، یاقوب توکلی رفیق راه ما بود. همچنین محمدصادق علیزاده با استاد علیرضا مختاریور گفت‌وگویی انجام داده بود که بخشی از آن را در یکی از شماره‌های قفسه کتاب به خوانندگان مان تقدیم کردیم.

## موضوعات مهم

در بین شماره‌های قفسه کتابی، برخی سه‌شنبه‌هانی به موضوعات مهم در عرصه کتاب پرداختیم. مثلاً دو هفته درباره نمایشگاه کتاب و ویژگی‌ها و باید‌ها و نبایدهای آن صحبت کردیم. یک شماره هم به نقد کتاب‌های تاریخ شفاهی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس اختصاص پیدا کرد. یک شماره درباره تجربه نگاری با اهالی کتاب و رسانه در خدمت خانم آمنه پارکی بودیم. همزمان با شهادت حجت‌الاسلام سید حسن نصرالله از نویسندگان خواستیم درباره او برای ما بگویند و یک شماره نیز گزارشی داشتیم از نشست زایش متن در گفتمان مقاومت با محوریت کتاب من پناهنده نیستم. کتاب‌هایی با محوریت حضرت زهرا (س) را در سالگشت شهادت آن بانوی بزرگوار روی جلد یکی از شماره‌های قفسه کتاب بردیم و یک شماره را نیز به بررسی کتاب گرانقدر المعجم اختصاص دادیم. به انگیزه درگذشت علامه کورانی نیز مطلب ویژه یکی از شماره‌ها را به ایشان و کتاب‌هایشان اختصاص دادیم. در یکی از شماره‌های اخیر، گفت‌وگوی محمدصادق علیزاده با محمد قائم خانی درباره کتاب «صلحی که همه صلح‌ها را به باد داد» را تقدیم کردیم و در شماره یکی مانده به آخر امسال نیز در گزارشی آثار خلق شده توسط زندانیان فلسطینی را مورد بررسی قرار دادیم.

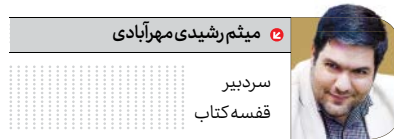
تمام تلاش‌مان این بود که هیچ موضوع مهمی در عرصه کتاب و نشر کشور از چشم‌مان باقی نماند اما واقعیت این بود که زحمت انعکاس برخی از مطالب در این حوزه برعهده صفحه ادبیات روزنامه بود و سعی می‌کردیم دچار موازی‌کاری نشویم و مکمل هم باشیم.

## اشتراک‌گذاری حس و حال خوب

قیمت بالای کتاب‌ها اگر چه دست سردبیر قفسه کتاب را می‌بست تا به‌طور مشخص به اعضای تحریریه سفارش تولید مطلب بدهد اما نویسندگان و روزنامه‌نگارانی که با قفسه کتاب همکاری می‌کردند، اتمسفر این ویژه‌نامه را درک کرده و از بین کتاب‌هایی که خوانده بودند، بهترین‌ها و همخوان‌ترین‌ها نسبت به این فضا را انتخاب می‌کردند و بعد از همفکری و نهایی‌شدن، درباره‌شان می‌نوشتند. اعتراف می‌کنم اعضای تحریریه قفسه کتاب، امسال از تمام توان خود برای به اشتراک گذاشتن حس و حال خوب خودشان با کتاب‌ها استفاده کردند و سروسرقت، مطالب‌شان را تحویل دادند تا زمان بندی انتشار ویژه‌نامه با هیچ خللی روبه‌رو نباشد.

## مادر و دختر کتابخوان

پدیده دیگر امسال، انتشار هفتگی و منظم نقد و معرفی کتاب توسط خانم دکتر اسداللهی و دختر گرانقدرشان خانم امیرفرجی بود که با نظم مثال‌زدنی، مخاطبان خود را پیدا کرده و بازتاب‌های بسیار خوبی در میان خوانندگان قفسه کتاب پیدا کرد.



میتهم رشیدی مهرآبادی

سردبیر  
قفسه کتاب

در سالی که گذشت، ۴۲ شماره (همراه با این شماره) قفسه کتاب در روزهای سه‌شنبه و همراه با روزنامه جام جم تقدیم حضورتان شد. در تمام این شماره‌ها تلاش کردیم با بهترین نویسندگان و مترجمان فعال در حوزه کتاب و درباره آثاری که خواندن‌شان ارزنده و قابل توجه بود گفت‌وگو کنیم. بخشی از این گفت‌وگوها در کافه کتاب زیتون انجام شد، برخی را در خانه موزه دکتر شریعتی میزبانی کرده و عده‌ای از نویسندگان را هم به محل روزنامه جام جم در بلوار میرداماد تهران دعوت کردیم. البته چند گفت‌وگو هم در جاهای دیگر مثل کتابفروشی اسم و کتابفروشی بین‌الملل انجام شد. امسال توفیق هم‌کلامی با ۳۰ نویسنده، مترجم و فعال حوزه کتاب دست داد و توانستیم با ایشان درباره روند فعالیت و البته مهم‌ترین کتاب‌شان در بازار کتاب گفت‌وگو کنیم. تلاش کردیم این گفت‌وگوها، راهنمای خوبی باشند برای آشنایی مخاطبان مان با آثاری که خودمان آنها را خوانده بودیم و به کیفیت‌شان در قلم و محتوا، حساسیت داشتیم.

از ۱۷ خرداد ۱۴۰۱ که دور جدید قفسه کتاب را آغاز کردیم، تمام تلاش‌مان این بود که بهترین آثار موجود در بازار کتاب ایران خصوصاً در حوزه تالیف را برای گفت‌وگو و بررسی بیشتر انتخاب کنیم. در مورد کتاب‌های عالی سراغ نویسنده، راوی و ناشر می‌رفتیم و در مورد کتاب‌های خیلی خوب و خوب، به یادداشت‌ها و نقدهای نوشته شده توسط همکاران مان در تحریریه قفسه کتاب بسنده می‌کردیم. خلاصه این که حواس مان و حساسیت مان به این انتخاب هیچ‌گاه تا امروز که آخرین شماره در سال ۱۴۰۳ را تقدیم می‌کنیم، کم‌رنگ نشده است.

از تمام کسانی که همدلانه پشت میز نقد و گفت‌وگو با ما می‌نشستند و دعوت مان را قبول می‌کردند سپاسگزاریم و اعتراف می‌کنیم که هیچ نویسنده و ناشری نبود که در این مسیر، کمک مان نکند یا همراهی نداشته باشد. امیدواریم در ادامه مسیر هم، قفسه کتاب محل نمود و ظهور و بروز نویسندگانی باشد که به‌رغم تالیف یا ترجمه آثار گرانبه‌ها، متأسفانه به خاطر عدم حضور در گعده‌ها و گرایش‌های گروهی خاص، کمتر دیده می‌شوند.

## این همه نویسنده خوب

از شماره ۲۵۱ تا این شماره دو بار تصویر خانم معصومه رامهرمزی را روی جلد قفسه کتاب آوردیم؛ یک بار به بهانه کتاب «خانواده ابدی» و بار دیگر برای صحبت درباره «کتاب مرا پیدا کن» به همراه راوی این کتاب، خانم دکتر مژگان بیتانه. در طول سال ۱۴۰۳ همچنین توفیق نقد و بررسی و گفت‌وگو با کوروش علیانی، نیلوفر مالک، محمدصادق کوشکی، مسعود آذریاب، فاطمه کیایی، فاطمه دانشور جلیل، عترت اسماعیلی، محمد مظفرپور، مریم عرفانیان، هوشنگ للهی، مجید محمودولی، محمد قبادی، الناز عباسیان، آزاده اسکندری، محسن نجفی، سعیده سبرنگ، رضا استادی، میترا لبافی، طاهره شاه‌محمدی، محدثه دلنواز، سمیه جمالی، مهدی بابا‌محمودی، الهه آخرتی، مهدی فدایی‌مهربانی، صالح مدرس‌زاده، آراز بارسقیان،

## «دختران قبیله جنگ»

## نمایی از چرایی وضعیت سوریه و تحولات آن

محمد رضا شرفی خوشان

نویسنده

کمتر دیده شده که نویسنده‌ای ایرانی به موضوعی پرداخته باشد که به‌طور مستقیم با سرنوشت و هویت ایرانیان ارتباط داشته باشد. برخی شاید بپرسند سوریه به ما چه ارتباطی دارد؟ اما واقعیت این است که این کشور به حدی با سرنوشت ایران ارتباط دارد که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر آینده ایرانیان بگذارد. به‌ویژه اکنون که با وضعیت فعلی سوریه روبه‌رو هستیم اهمیت این مسأله بیشتر از گذشته نمایان می‌شود. ما در دنیای پرشتاب و تغییرات سریع قرار داریم که نمی‌توان به سادگی تماشای حوادث باشیم. در چنین دنیایی، وظیفه‌رمان‌ها این است که به‌مافرستی برای تأمل بدهند و انسان عصر حاضر را از سرگردانی اخبار و اطلاعات پیچیده و ضد و نقیض برهانند.

«دختران قبیله جنگ» نوشته جواد افهمی در دنیای پررنگ خاطره‌نویسی، به نوعی فضای رمان را به تصویر می‌کشد. این رمان قادر است دیدگاه‌های جدیدی را درباره مسأله سوریه ارائه دهد و از این لحاظ از آثار خاطره‌نویسی متمایز است.

در حالی که خاطره‌نویسی تنها یک تجربه شخصی را روایت می‌کند، رمان‌ها می‌توانند از لایه‌های مختلف معنایی برخوردار باشند و خواننده را به تفکر و تأمل وادارند. دختران قبیله جنگ با استفاده از این قابلیت، موضوعی حساس و پیچیده را به‌طور هنرمندانه روایت کرده است.

این نوع آثار اغلب فاقد ارزش ادبی واقعی هستند و نمی‌توان آنها را به عنوان یک داستان واقعی در نظر گرفت. نویسنده دختران قبیله جنگ، جواد افهمی، نه تنها مستند نمی‌نویسد، بلکه از تکنیک‌های داستانی استفاده کرده تا نگارش خود را به مسأله سوریه بیان کند. این رمان با سبک خاص خود توانسته سؤالاتی اساسی مانند چرایی وضعیت فعلی سوریه و دلایل شکل‌گیری مسائل در این کشور را مطرح کند.

نویسنده این رمان، تأکید دارد که رمان نه برای بازگو کردن یک خاطره یا مستند نوشتن است، بلکه برای بیان یک جهان بینی خاص و تفکر درباره وضعیت سوریه به‌ویژه در پی بحران‌های آن نوشته شده است. این رمان، از طریق روایت یک داستان ساده اما پیچیده، چرایی وضعیت سوریه و تحولاتی که به آن مسائل منجر شد، شرح می‌دهد. نویسنده در این رمان به ساده‌ترین شیوه ممکن به لایه‌های مختلف مشکلات پرداخته و به سادگی به خواننده این توانایی را می‌دهد که وضعیت سوریه را بهتر درک کند. این کتاب به گونه‌ای نوشته شده که حتی در کشورهای دیگر هم می‌تواند با خوانندگان ارتباط برقرار کند بدون این‌که آگاهی کاملی از وضعیت سیاسی و تاریخی سوریه داشته باشند. نویسنده در این کتاب، با انتخاب نثری ساده، توانسته داستانی سراسر تأثیرگذار ارائه دهد. هیچ‌گونه بازی‌های کلامی پیچیده یا پیچیدگی‌های غیرضروری در نثر وجود ندارد که این به خواننده کمک می‌کند تا به راحتی با داستان ارتباط برقرار کرده و پیام‌های عمیق انسانی و اجتماعی آن را درک کند. این رمان، با دست گذاشتن بر موضوعات انسانی، از جمله برادرکشی، کودک‌کشی، رقابت و حسادت نشان می‌دهد هر جامعه‌ای که ارزش‌های انسانی را نادیده بگیرد یا از آنها غافل شود، می‌تواند دچار بحران و ویرانی شود. نویسنده با استفاده از این داستان، پیام‌هایی درباره اهمیت حفظ این ارزش‌ها و اهمیت حکمرانی درست و مهربانی در جامعه را منتقل می‌کند.